اخباروگزارش های کارگری 11 آبان ماه 1405

- ادامه دوشنبه اعتراضی کارگران بازنشسته مخابرات کشورنسبت به کاهش قدرت خرید ،عدم پرداخت مطالبات و قطع خدمات بیمه تکمیلی با برپایی راهپیمایی و تجمع در شهرهای أصفهان،ایلام ، سنندج،کرمانشاه وهمدان مقابل ساختمان مرکزی شرکت مخابرات استان های أصفهان،ایلام ،کردستان،کرمانشاه وهمدان

بروجرد و بیجارمقابل اداره مخابرات شهرستان

وتهران مقابل ستاد شرکت مخابرات استان تهران واقع درخیابان سردار جنگل

- بازنشستگان شایسته زندگی شرافتمندانه‌اند، نه فقر و ناامنی! از اعتراضات بازنشستگان حمایت کنیم!

- ادامه اعتراضات جمعی از متقاضیان پروژه‌های مسکن کوی پروازهمدان نسبت به بلاتکلیفی و وعده های توخالی با برپایی تجمع مقابل استانداری

- تجمع اعتراضی کشاورزان گندمکار بیجارنسبت به ملاخورشدن بخشی از مطالبات بدنبال خرید تضمینی توسط دولت

- ادامه اعتراضات گلخانه داران سیستان وبلوچستان نسبت به کاهش سهمیه و تأخیر در تحویل سوخت بابرپایی تجمع گلخانه‌داران میرجاوه، خاش و سراوان مقابل استانداری در زاهدان برای سومین روز متوالی

- نامه شوراهای صنفی دانشگاه‌های تهران در اعتراض به برخوردهای حراست و دخالت در پوشش دانشجویان

امنیت دانشگاه با ترس دانشجو تأمین نمی‌شود

- تداوم بلاتکلیفی و وضعیت نگران‌کننده علی احمدی، پیشکسوت فرهنگی، در زندان عادل‌آباد #شیراز

- برای همکار زندانی #مهناز_ابراهیمی

زنان ستون‌های استوار مبارزه

- بیانیه تشکل های مستقل در حمایت از معترضان اروپا

رفاه اجتماعی به جای جنگ

- فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران خواستار محاکمه آمران قتل روزنامه‌نگاران شد

- اعتراضات جوانان

پاریس هنوز خیلی دور است

- سومین روز اعتراضات کارگران پوشاک بنگلادش؛ با مسدود کردن جاده‌ها،تعطیلی صدها کارخانه ویورش پلیس به معترضان با پرتاب گاز اشک‌آور و نارنجک‌های صوتی وبازداشت دستکم 82 نفر

- گسترش اعتصاب‌های هشداردهنده کارگران صنایع فلزی و خودروسازی آلمان

- آغاز اعتصاب نامحدود وتجمعات کارکنان برنامه‌های حمایتی وزارت آموزش قبرس در اعتراض به اجرا نشدن قانون استخدام و پنج ماه محرومیت از دستمزد

- اعتصاب کارکنان بخش عمومی پرتغال با مشارکت 80 درصدی در بهداشت و 60 درصدی در آموزش

- از فجایعی که در مراکز نگهداری اتفاق میوفته گر بمیرم، رواست!

- بیمارستان دولتی جنازه کارگر را برای پرداخت صورتحساب گروگان گرفت

- جان باختن یک کارگر مقنی در قروه براثر سقوط در چاه 100 متری

- جان باختن یک کارگر حین کاردر سلیمانیه عراق بر اثر سقوط از ارتفاع

****

***ادامه دوشنبه اعتراضی کارگران بازنشسته مخابرات کشورنسبت به کاهش قدرت خرید ،عدم پرداخت مطالبات و قطع خدمات بیمه تکمیلی با برپایی راهپیمایی و تجمع در شهرهای أصفهان،ایلام ، سنندج،کرمانشاه وهمدان مقابل ساختمان مرکزی شرکت مخابرات استان های أصفهان،ایلام ،کردستان،کرمانشاه وهمدان**

بروجرد و بیجارمقابل اداره مخابرات شهرستان

وتهران مقابل ستاد شرکت مخابرات استان تهران واقع درخیابان سردار جنگل

روزدوشنبه 11 آبان

شعارها:

«بازنشسته بیدار است ازظلم وزوربیزاراست»

« بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن»

« تا حق خود نگیریم دوشنبه ها می‌آییم»

«فریاد بازنشسته عدالت عدالت»

«ندای بازنشسته عدالت عدالت»

«دیگه نگید نداریم ازاین شعاربیزاریم»

«دشمن بازنشسته همین بالا نشسته»

«ازاون بالا دید نزن بیا پایین حرف بزن»

«مخابرات دروغ میگه دودش از اون بالا میره»

«مخابرات ایران قانون نمی پدیرد»

«معیشت مناسب با تورم حق مسلم ماست»

« شرکت پر درآمد چه بر سر تو آمد»

«مخابرات و ما ساختیم سپاه برده ما باختیم»

«ستاد فرمان امام مخابرات برده حق ماهاروخورده»

«تعاون سپاه هم مخابرات برده حق ماهاروخورده»

«اعتمادمبین سپاه حق ماهاروخورده»

«سهامدارعمده ننگت باد ننگت باد»

«سهامدار ظالم ننگت باد ننگت باد»

«سهامدار ظالم نمی خوایم نمی خوایم»

«سهامدار حیا کن به وعده‌هات عمل کن»

« اجرای آئین نامه حق مسلم ماست»

« بیمه ی بی کم و کاست حق مسلم ماست»

«وزیر باید ورود کنه وضعیت رو درست کنه»

تصاویر:

أصفهان:


شماره‌های ۴ و ۵ رقمی
کوتاه‌تر بگو، راحت‌تر به یاد بمون

بیجار:


برای متناسب سازی حقوق ۱۴۰۵
حق مسلم ماست
جرای رأی وحدت رویه ۹۲۳۵ دیوان
حق مسلم ماست
بازنشستگان مخابرات بیجار کردستان

سنندج:



***بازنشستگان شایسته زندگی شرافتمندانه‌اند، نه فقر و ناامنی! از اعتراضات بازنشستگان حمایت کنیم!**

تجمعات اعتراضی بازنشستگان در روز یکشنبه دهم آبان در اهواز، کرمانشاه، شوش، کرخه، هفت‌تپه، تهران، اصفهان، رشت و دیگر شهرها، صدای اعتراض به فقر، گرانی، تورم افسارگسیخته، تبعیض، فساد، بیمه‌های ناکارآمد و سیاست‌هایی است که معیشت مردم را هر روز دشوارتر می‌کنند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، ضمن حمایت از اعتراضات و تجمعات بازنشستگان در سراسر کشور، همبستگی خود را با مطالبات برحق و انسانی آنان اعلام می‌کند.

نان، مسکن، آزادی و برابری حق مسلم همه ماست. از اعتراضات بازنشستگان حمایت کنیم و در کنار آنان بایستیم.

چاره کارگران و زحمتکشان، وحدت و تشکیلات است!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

***ادامه اعتراضات جمعی از متقاضیان پروژه‌های مسکن کوی پروازهمدان نسبت به بلاتکلیفی و وعده های توخالی با برپایی تجمع مقابل استانداری**

روزشنبه 9 آبان، جمعی از متقاضیان پروژه‌های مسکن کوی پروازهمدان برای اعتراض به بلاتکلیفی وعدم تحویل واحدها و وعده های توخالی دست به تجمع مقابل استانداری زدند.

قابل یادآوری است که پیش از این هم جمعی از متقاضیان پروژه‌های مسکن کوی پروازهمدان روز یکشنبه 6 اردیبهشت ماه سال جاری هم مقابل استانداری همدان تجمع اعتراضی برپاکرده بودند.



***تجمع اعتراضی کشاورزان گندمکار بیجارنسبت به ملاخورشدن بخشی از مطالبات بدنبال خرید تضمینی توسط دولت**

روزدوشنبه 11 آبان، کشاورزان گندمکار شهرستان بیجار،استان کردستان برای اعتراض و کسر 2 هزار تومان از نرخ خرید تضمینی گندم به ازای هر کیلوگرم محصول دست به تجمع زدند وخواستار پرداخت کامل مطالبات خود شدند.

شهرستان بیجار به‌عنوان قطب تولید گندم دیم کشور، رتبه نخست تولید این محصول را در سطح ملی در اختیار دارد و بزرگ‌ترین تولیدکننده گندم در استان کردستان محسوب می‌شود؛ به‌طوری‌که حدود 28 درصد از مجموع تولید گندم استان در این شهرستان به دست می‌آید. از این رو، هرگونه تغییر در نرخ خرید تضمینی و نحوه پرداخت مطالبات، تأثیر مستقیمی بر درآمد و معیشت بخش قابل توجهی از کشاورزان این منطقه دارد.

بر اساس اطلاعات مطرح شده از سوی کشاورزان معترض، نرخ نهایی پرداختی خرید تضمینی گندم که پیش‌تر 50 هزار و 200 تومان اعلام شده بود، طبق دستور سازمان برنامه و بودجه به 48 هزار و 200 تومان کاهش یافته و این مبلغ در اسناد شرکت بازرگانی دولتی نیز مبنای محاسبه قرار گرفته است.

این کاهش 2 هزار تومانی به‌ازای هر کیلوگرم گندم، اعتراض تولیدکنندگان را به دنبال داشته و آنان خواستار تعیین تکلیف نرخ نهایی و پرداخت کامل مطالبات خود بر مبنای نرخ اعلام‌شده قبلی هستند.

***ادامه اعتراضات گلخانه داران سیستان وبلوچستان نسبت به کاهش سهمیه و تأخیر در تحویل سوخت بابرپایی تجمع گلخانه‌داران میرجاوه، خاش و سراوان مقابل استانداری در زاهدان برای سومین روز متوالی**

روزدوشنبه 11 آبان،در ادامه اعتراضات گلخانه داران سیستان وبلوچستان نسبت به کاهش سهمیه و تأخیر در تحویل سوخت+، جمعی از گلخانه‌داران شهرستان‌های میرجاوه، خاش و سراوان برای سومین روزمتوالی دست به تجمع مقابل استانداری در زاهدان،زدند.



به گزارش یک منبع خبری محلی،تجمع کنندگان همچنین با مراجعه به شرکت نفت و سازمان جهاد کشاورزی نیز خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند.

+تجمع اعتراضی جمعی از گلخانه داران سیستان نسبت به کاهش سهمیه و تأخیر در تحویل سوخت مقابل ساختمان شرکت نفت ناحیه

روزشنبه 25 مهر، جمعی از گلخانه داران منطقه سیستان در شمال استان سیستان و بلوچستان برای اعتراض به کاهش سهمیه و تأخیر در تحویل سوخت مورد نیاز مقابل ساختمان شرکت نفت ناحیه تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مشکلات تأمین و توزیع سوخت مورد نیاز گلخانه‌ها شدند.

به گزارش 27 مهریک منبع خبری محلی، مدیر شرکت نفت ناحیه سیستان، پس از شنیدن مطالبات گلخانه‌داران، در صورت‌جلسه‌ای رسمی متعهد شده است از ماه آینده برای رسیدگی و اجرای خواسته‌های مطرح‌شده اقدام کند.

***نامه شوراهای صنفی دانشگاه‌های تهران در اعتراض به برخوردهای حراست و دخالت در پوشش دانشجویان**

امنیت دانشگاه با ترس دانشجو تأمین نمی‌شود

در ماه‌های اخیر، تشدید دخالت‌ها در زیست روزمره دانشجویان، برخوردهای سلیقه‌ای پیرامون پوشش، ایجاد محدودیت در تردد و خوابگاه‌ها، و تبدیل دانشگاه به میدان تسویه‌حساب‌های سیاسی، کرامت و آرامش جامعه دانشگاهی را مخدوش کرده است .

ما، جمعی از شوراهای صنفی دانشگاه‌های تهران، در نامه‌ای صریح به رئیس‌جمهور تأکید کرده‌ایم که امنیت دانشگاه با ارعاب، کنترل‌های فراقانونی و پرونده‌سازی تأمین نمی‌شود و اعتماد ازدست‌رفته دانشگاهیان تنها با اقدامات عملی و ملموس قابل بازسازی است .

مطالبات مطرح‌شده در این نامه عبارت‌اند از:

توقف برخوردهای سلیقه‌ای در موضوع پوشش و تردد خوابگاه‌ها

شفاف‌سازی حدود اختیارات حراست و مدیریت دانشگاه و پاسخگویی در قبال تصمیمات

توقف فشار و پرونده‌سازی علیه فعالیت‌های صنفی و تضمین استقلال شوراها

بازنگری در آیین‌نامه‌ها، رویه‌ها و احکام ناعادلانه انضباطی

پیگیری مؤثر و شفاف برای آزادی دانشجویان دربند

شوراهای صنفی امضاکننده:

شورای صنفی دانشگاه علم و صنعت

شورای صنفی دانشگاه تربیت مدرس

شورای صنفی دانشگاه الزهرا

شورای صنفی دانشگاه صنعتی شریف

شورای صنفی دانشگاه هنر ایران

شورای صنفی دانشگاه شهید بهشتی

شورای صنفی دانشگاه علامه طباطبائی

شورای صنفی دانشگاه صنعتی امیرکبیر

خبر فوری

***تداوم بلاتکلیفی و وضعیت نگران‌کننده علی احمدی، پیشکسوت فرهنگی، در زندان عادل‌آباد #شیراز**

#علی_احمدی ، پیشکسوت فرهنگی اهل #نورآباد_ممسنی، پس از گذشت ۹ ماه حبس، همچنان در بلاتکلیفی و در شرایط دشوار بند قرنطینه زندان عادل‌آباد شیراز به سر می‌برد.

بر اساس اخبار رسیده به #انجمن_صنفی_معلمان_فارس آقای احمدی در طول دوران حبس خود با افراد متعددی با سوابق کیفری هم‌بند بوده و بارها در معرض آزار و اذیت و ضرب‌وشتم قرار گرفته است. همچنین، بنا بر گزارش‌های دریافتی، مسئولان قضایی و زندان تاکنون اقدامی برای انتقال ایشان به بندی امن‌تر انجام نداده‌اند.

وضعیت جسمانی این معلم پیشکسوت نیز به‌شدت نگران‌کننده گزارش شده است. طبق اطلاعات رسیده از بستگان و نزدیکان ایشان، آقای احمدی در قرنطینه زندان از سوی یکی از زندانیان به نام صادقی مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته و در پی این حادثه، دنده‌ها و انگشتان دست راست ایشان دچار شکستگی شده است. بنا بر همین گزارش‌ها، وی در تماس تلفنی با بستگان حتی قادر به صحبت کردن به شکل عادی نبوده است.

آقای احمدی با وجود ۷۳ سال سن، از بیماری‌های قلبی و کلیوی رنج می‌برد. همچنین، با وجود مشکلات بینایی، طبق گزارشات قبلی امکان دسترسی به درمان مناسب برای ایشان فراهم نشده و وضعیت بینایی وی نیز رو به وخامت گذاشته است.

پرسش اینجاست: چرا یک معلم فرهیخته ۷۳ ساله، با چنین شرایط حاد جسمانی، باید ماه‌ها در بلاتکلیفی و در شرایط ناامن زندان به سر ببرد؟

چه توجیهی برای تداوم نگهداری ایشان در بند قرنطینه، در کنار زندانیان دیگر و بدون تأمین امنیت جانی و دسترسی مناسب به خدمات درمانی وجود دارد؟ آیا مسئولان قضایی و زندان از وضعیت جسمانی و خطراتی که سلامت این پیشکسوت فرهنگی را تهدید می‌کند، آگاه نیستند؟

بی‌توجهی به سلامت و امنیت زندانیان، به‌ویژه افراد سالمند و بیمار، پرسش‌های جدی درباره مسئولیت قانونی و انسانی مسئولان مربوطه مطرح می‌کند.

ما خواهان رسیدگی فوری به وضعیت علی احمدی، تأمین امنیت جانی ایشان، انتقال به بند امن‌تر، دسترسی فوری به خدمات پزشکی و درمانی و پایان دادن به بلاتکلیفی وی هستیم.

انجمن صنفی معلمان فارس

***برای همکار زندانی #مهناز_ابراهیمی**

زنان ستون‌های استوار مبارزه

«درصد حضور زنان در صف اول مبارزه، رابطه‌ی مستقیمی با ضریب موفقیت آن مبارزه دارد.»

محسن عمرانی (صمد جنوب)

گاهی یک خاطره فراتر از یک یادآوری ساده به سندی از شرافت انسانی، تعهد اجتماعی و معنای واقعی همبستگی تبدیل می‌شود .

سال ۱۳۹۷ روزهایی را سپری می‌کردم که در حال گذراندن حکم زندان خود بودم. روزهایی دشوار که رنج دوری از خانواده و محدودیت‌های زندان و نگرانی از آینده ، همچون همه‌ی زندانیان بخشی از زندگی روزمره من نیز بود.

در آن روزهای سخت یکی از همکاران زن از استان بوشهر با تمام توان ایستاد تا صدای یک همکار زندانی باشد. صدایی که با وجود همه‌ی بی‌مهری‌ها و سنگ‌اندازی‌ها ، سرانجام به گوش کسانی رسید که باید می‌رسید.

در نخستین مرخصی از زندان در مهرماه همان سال اتفاقی افتاد که هنوز هم یادآوری آن برایم سرشار از احساس و قدردانی است.

جمعی از همکاران فرهنگی از استان فارس برای دیدار من و خانواده‌ام به خانه‌مان آمدند. در میان آنان چندین همکار زن حضور داشتند . زنانی که حضورشان برای من معنایی فراتر از یک دیدار دوستانه داشت. در میان این عزیزان مهربانوی گرامی خانم مهناز ابراهیمی نیز حضور داشت.

آن روز بیش از پیش به این حقیقت ایمان آوردم که بدون حضور مؤثر زنان هیچ مبارزه‌ی اجتماعی و صنفی نمی‌تواند به تمام ظرفیت و توان خود دست پیدا کند.

زنان صرفاً همراهان مبارزه نیستند بلکه آنان از سازندگان اصلی آن و از حافظان پیوندهای انسانی و از ستون‌های استوار تداوم و پایداری آن هستند.

اما درباره‌ی همکاران زن حاضر در آن دیدار از جمله خانم مهناز ابراهیمی خاطره‌ای دارم که برایم از هر توصیفی گویاتر است.

این بزرگواران از جمله خانم ابراهیمی از زمان آن دیدار تاکنون ارتباط خود را با مادر من قطع نکرده‌اند و همچنان احوال ایشان را جویا می‌شوند.

برای من این رفتار معنایی بسیار عمیق دارد. چراکه همبستگی واقعی فقط به حضور در یک تجمع ، امضای یک بیانیه یا انتشار یک پیام حمایتی خلاصه نمی‌شود. همبستگی واقعی آنجاست که پس از گذشت سال‌ها همچنان به یاد خانواده‌ی همکارت باشی و مادر او را فراموش نکنی و بدانی که رنج زندان تنها رنج فرد زندانی نیست بلکه خانواده و عزیزان او را نیز دربرمی‌گیرد.

این استمرار محبت نشانه‌ی بلوغ کنشگری و مسئولیت‌پذیری و اخلاق انسانی است.

در مورد کنشگری ، پیشرو بودن ، تعهد به رسالت آموزش و پرورش ، شجاعت و صراحت کلام خانم ابراهیمی، بسیاری از کسانی که از دور و نزدیک با ایشان آشنایی دارند حتما سخن گفته‌اند.

لیک ، شناخت این ویژگی‌ها به ما کمک می‌کند بهتر دریابیم که چرا امروز چنین انسان دغدغه‌مندی در بند است.

چرا معلمی که دل‌نگران کیفیت آموزش، آینده‌ی دانش‌آموزان و سرنوشت جامعه است، باید به جای حضور در کلاس درس روزهای خود را پشت میله‌های زندان سپری کند؟

اما خطابم به مسئولان امر

بپذیرید که مطالبه‌ی آموزش رایگان و باکیفیت و حق داشتن تشکل مستقل صنفی، دفاع از حقوق معلمان و دانش‌آموزان و آموزش روحیه‌ی پرسشگری در دانش آموزان جرم نیست.

در این روزها که وطن عزیز و زخم‌خورده‌ی ما با بحران‌های بزرگی همچون جنگ دست‌وپنجه نرم می‌کند زندانی کردن دلسوزان این سرزمین، به‌ویژه معلمان و زنان کنشگر نه‌تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه شکاف میان حاکمیت و ملت را عمیق‌تر می‌سازد.

امروز نام مهناز ابراهیمی را با احترام و قدردانی به یاد می‌آورم نه فقط به خاطر حضوری که در مهرماه ۱۳۹۷ در کنار من و خانواده‌ام داشت بلکه به خاطر استمرار همان روحیه‌ی انسانی و مسئولانه‌ای که در تمام این سال‌ها حفظ کرده است.

برای من ، خانم ابراهیمی نمادی از زنانی است که مبارزه را به معنای واقعی کلمه زندگی می‌کنند زنانی که در کنار مطالبه‌گری مهر می‌ورزند و در کنار ایستادگی امید می‌آفرینند و در کنار دفاع از حقوق جمعی پیوندهای انسانی را فراموش نمی‌کنند.

به احترام همه‌ی زنان معلمی که در صف نخست مطالبه‌گری ایستاده‌اند

به احترام زنانی که هزینه‌ی آگاهی‌بخشی و عدالت‌خواهی را می‌پردازند

و به احترام تمام همکاران زندانی که جرمشان چیزی جز دغدغه‌مندی و دفاع از حقوق انسانی و صنفی نیست ،

تمام قد می ایستیم ، کلاه از سر برمی داریم و نامشان را فریاد میزنیم.

هیچ جامعه‌ای بدون حضور آگاهانه و شجاعانه و اثرگذار زنان به فردایی آزادتر و عادلانه‌تر و انسانی‌تر نخواهد رسید.

آنکه او امروز در بند شماست

در غم فردای فرزند شماست»

آزادی همه‌ی همکاران دربند به‌ویژه مهناز ابراهیمی را خواهانیم.

برگرفته از کانال کانون صنفی معلمان استان بوشهر

***بیانیه تشکل های مستقل در حمایت از معترضان اروپا**

رفاه اجتماعی به جای جنگ

موجی از اعتراضات در شهرهای مختلف اروپا علیه سیاست‌های دولت‌ها جریان دارد. اعتراض علیه کاهش بودجه های اجتماعی، فرهنگی، رفاهی و اقتصادی، نارضایتی از افزایش هزینه‌های نظامی، جنگ طلبی، افزایش وام دولت ها و پرداخت بهرهٔ سنگین به مؤسسات مالی، معافیت های مالیاتی سرمایه داران بزرگ و غیره. تأثیر متقابل این اعتراضات در کشور فرانسه، خیزش های عمومی با خواست های مشترک طبقات و اقشار پائین اجتماعی در کشورهای دیگر اروپا نیز شکل گرفته است. مرکز ثقل و آغازگر اعتراضات کنونی در اروپا جوانان به ویژه دانشجویان و دانش آموزانی هستند که در شرایط نامطلوب اقتصادی و بحران های فراگیر اقتصادی سرمایه داری، افق روشنی برای زندگی خود متصور نیستند.

قابل پیش‌بینی است که در ادامه این اعتراضات، بخش های دیگر جامعه به ویژه طبقه کارگر و اتحادیه های کارگری نیز به صفوف معترضان پیوسته و با خواست‌های خود، ابعاد گسترده تری از نارضایتی توده ها را به نمایش بگذارند. همچنانکه هم اکنون شاهد به میدان آمدن کارگران اسکله ها در چندین کشور جهان، و بیش از صد بندر علیه فروش تسلیحات به اسرائیل و تلاش های اروپا برای تسلیح مجدد با شعار: « کارگران اسکله برای جنگ کار نمی کنند» دست به اعتصاب زدند.فراخوان این روز اعتراضی از سوی کارگران اسکله در ایتالیا، فرانسه، یونان، ترکیه، مراکش و منطقه باسک در کشور اسپانیا صادر شد؛ اما کارگرانی در ایالات متحده، استرالیا و هند و دیگر نقاط نیز آن را عملی کردند. پیوستن دانش آموزان به راهپیمایی کارگران اعتصابی اسکله در کاتانیا (سیسیل) و اتحاد دانشجویان و کارگران اعتصابی در جنوا و تشکیل دسته ای از اعتراضات مشترک و راهپیمایی باشکوه، با شعار: « ما جنگ نمی خواهیم»، اتحاد طبقاتی خود را بنمایش گذاشتند. اتحادیه های کارگری در فرانسه و به دنبال آن در کشور آلمان نیز فراخوان اعتصاب داده اند. در تمام این اعتراضات در کشورهای مختلف اروپا آنچه بر تارک جنبش های اعتراضی مشهود است، خواست ها و شعارهای مشترکی است که سرنوشت مشترک جوانان (دانشجویان و دانش آموزان) و کارگران و اقشار زحمتکش جامعه را متجلی می کند. این خواست ها عبارتند از :

اعتراض به هزینه های بالای زندگی و تورم

درخواست افزایش بودجه و کیفیت آموزش، بهبود فرسودگی امکانات آموزشی و دانشگاه ها.

بهبود شرایط بهداشت و درمان عمومی.

اعتراض به هزینه های تحصیلی و مسکن.

مخالفت با احیای خدمت اجباری سربازی.

عدالت مالیاتی، اقدام واقعی برای بحران اقلیمی، انتقاد از تعویق تصمیمات حیاتی در حوزه آب و هوا، حفظ حقوق بنیادین.

مخالف با افزایش نظارت های امنیتی و پلیسی، اعتراض علیه سیاستهای ریاضتی دولت ها، علیه گرانی، کاهش خدمات عمومی و سیاسی و اقتصادی.

تداعی این خواست ها برای کارگران و زحمتکشان ایران هشداری است از شرایط مشترک فلاکت بار جهان سرمایه داری که کارگران، جوانان، زنان، بازنشستگان و همه اقشار زحمتکش جامعه جهانی را به ورطه فقر، بی عدالتی، استثمار، جنگ و نا امنی کشانده است .

خواست معترضان و توده های زحمتکش در همه کشورها، خواست مشترک جوانان، دانشجویان، دانش آموزان، معلمان، کارگران، زنان، بازنشستگان و همه توده های زحمتکش ایران است. یورش نظام ظالم سرمایه داری جهانی به سطح معیشت کارگران و زحمتکشان در کشورهای مختلف، جبهه ای مشترک در تمام عرصه های مختلف جامعه در مقابل ما گشوده است.

کارگران و زحمتکشان ایران بخشی از گردان های جهانی کارگران و زحمتکشان هستند. از این رو حمایت از اعتراضات جهانی به ویژه اعتراضات دانشجویان و کارگران اروپا وظایف مشترک در جبهه جهانی علیه سرمایه داری است. برای تقویت این جبهه جهانی و تحقق بخشیدن بر اتحاد کارگران همه کشورها، ضروری است برای تضعیف سرمایه داری جهانی و تقویت مبارزه طبقاتی در حلقه ای از نظام بهره کشی بین المللی، پرچم مبارزه علیه نظام سرمایه داری را بر افراشته نگه داریم. تشکل های مستقل کارگران و بازنشستگان در اتحاد با برادران خود در اروپا و همصدا با آنها می گوییم: « رفاه بجای جنگ «

و فریاد برآوریم که :

بودجه عمومی باید صرف آموزش، بهداشت، مسکن، محیط زیست، بهبود شرایط زندگی کارگران و جوانان و اقشار زحمتکش و رفاه اجتماعی شود، نه مسابقه تسلیحاتی، عظمت طلبی و ستم، سرکوب و استثمار فزایندهٔ طبقهٔ کارگر و دیگر زحمتکشان جامعه.

۱۱ آبان ۱۴۰۵

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کارگران بازنشسته خوزستان

گروه اتحاد بازنشستگان

***فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران خواستار محاکمه آمران قتل روزنامه‌نگاران شد**

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران از دولت‌ها خواسته است علاوه بر عاملان قتل روزنامه‌نگاران، کسانی را که دستور این جنایات را صادر می‌کنند، شناسایی و محاکمه کنند.

این فدراسیون در بیانیه‌ای به مناسبت دوم نوامبر، روز جهانی پایان دادن به مصونیت از مجازات جنایات علیه روزنامه‌نگاران، با استناد به آمار یونسکو اعلام کرد که از هر هفت پرونده قتل روزنامه‌نگاران، تنها یک پرونده از نظر قضایی حل‌وفصل می‌شود.

بر اساس این بیانیه، بین سال‌های 2006 تا 2025 بیش از 1600 روزنامه‌نگار در جهان کشته شده‌اند. فدراسیون می‌گوید پیگیری خانواده‌ها، رسانه‌ها و نهادهای مدافع آزادی مطبوعات در به نتیجه رسیدن برخی از این پرونده‌ها نقشی اساسی داشته است.

زولیانا لاینز، رئیس این فدراسیون، خواستار حمایت کشورهای عضو سازمان ملل از کنوانسیون ایمنی و استقلال روزنامه‌نگاران شد؛ پیشنهادی که هدف آن ایجاد تعهد حقوقی برای حفاظت از روزنامه‌نگاران و پیگرد مسئولان جنایات علیه آنهاست.

***اعتراضات جوانان**

پاریس هنوز خیلی دور است

ده‌ها هزار نفر در خیابان‌ها: اعتراضات جنبش «نسل زد کنترل امور را به دست می‌گیرد» عمدتاً مسالمت‌آمیز برگزار شد. در تجمع‌های بعدیِ شامگاه، موارد پراکنده‌ای از خشونت و آشوب رخ داد.

نوشته: کریستیان اشتملر

شرکت‌کنندگان در تجمع روز شنبه در شهر کلن

آن‌ها دیگر از وضعیت آموزش در مدارس و دانشگاه‌های فرسوده، افزایش قیمت‌ها، سیاست ریاضت اقتصادی دولت فدرال، نظامی‌گری و مسابقه تسلیحاتی به ستوه آمده‌اند.

روز شنبه ده‌ها هزار نفر، عمدتاً جوانان اما همچنین شمار زیادی از افراد مسن‌تر، به فراخوان جنبش «Gen Z regelt»پاسخ دادند؛ جنبشی که تحت تأثیر اعتراضات جوانان در فرانسه شکل گرفته است. آن‌ها از کیل تا مونیخ و از برمن تا روستوک به خیابان‌ها آمدند و خواستار اختصاص بودجه بیشتر به آموزش، حفاظت از محیط زیست و امور اجتماعی شدند.

یکی از شعارهای پرطرفدار در این تجمع‌ها چنین بود: «مرتس، تخم‌مرغ‌هایت را لیس بزن!» این شعار در اعتراض به سیاست‌های صدراعظم آلمان، فریدریش مرتس (از حزب دموکرات مسیحی CDU)، و به‌ویژه در مخالفت با احتمال برقراری مجدد خدمت سربازی اجباری سر داده شد.

با این حال، بسیج اعتراضی در آلمان در مجموع به‌مراتب کوچک‌تر از اعتراضات مشابه در فرانسه و ایتالیا باقی ماند. بزرگ‌ترین تظاهرات روز شنبه در شهر کلن با حدود ۱۵ هزار نفر، در فرانکفورت آم ماین و برلین هر کدام با حدود ۱۰ هزار نفر و در هامبورگ با نزدیک به ۷ هزار شرکت‌کننده برگزار شد. شمار شرکت‌کنندگان در بیش از ۳۰ شهر دیگر، در برخی موارد به‌مراتب کمتر بود.

در مجموع، تجمع‌ها مسالمت‌آمیز و تقریباً بدون حادثه برگزار شدند.

با این حال، در ساعات پایانی شب تصاویری از حوادث خشونت‌آمیز منتشر شد؛ تصاویری که برخی رسانه‌ها و بازیگران سیاسی پس از چند روز فضاسازی و ایجاد هراس، در انتظارشان بودند.

در حاشیه برخی تجمع‌ها درگیری‌هایی رخ داد که بعضی از آن‌ها اساساً ارتباط زمانی مستقیمی با اعتراضات «Gen Z» نداشتند. برای مثال، یکی از سخنگویان پلیس برلین تصریح کرد که این رویدادها از نظر ماهیت، کاملاً با یکدیگر متفاوت بوده‌اند.

روزنامه بیلد بلافاصله از «آتش‌سوزی، غارت فروشگاه‌ها و پرتاب مواد محترقه» و همچنین از یک «شب آشوب و شورش» خبر داد.

با این وجود، ناآرامی‌های پراکنده، به‌ویژه در کلن، فرانکفورت، برلین و هامبورگ، به‌هیچ‌وجه با خشونت‌های گسترده‌ای که پیش از برگزاری تظاهرات پیش‌بینی و تبلیغ شده بود، قابل مقایسه نبودند.

جنبش «Gen Z regelt» نیز خود را از خشونت‌ها مبرا دانست. یکی از سخنگویان این جنبش در گفت‌وگو با خبرگزاری آلمان (dpa) گفت:

آنچه پس از پایان تجمع‌ها اتفاق افتاد، چیزی نبود که ما بتوانیم بر آن تأثیری داشته باشیم.»

صلح مورچه‌ها

عنوان میان‌تیتر در متن اصلی

در مرکز شهر فرانکفورت، دو مورد غارت در دو فروشگاه کفش رخ داد. ویترین‌های این فروشگاه‌ها شکسته شد و کفش‌های مارک‌دار به سرقت رفتند.

در یک فروشگاه اسلحه‌فروشی نیز حفره‌ای در شیشه امنیتی ایجاد شد که از طریق آن دو قبضه تفنگ از ویترین بیرون کشیده شد. یک واحد ویژه پلیس مظنونی را بازداشت کرد و سلاح‌ها را ضبط نمود.

در کلن، پلیس بعدازظهر حرکت راهپیمایی در سطح شهر را به دلیل استفاده از مواد آتش‌بازی و پوشاندن چهره برخی شرکت‌کنندگان ممنوع کرد؛ اما سپس اجازه داد تجمع به‌صورت ثابت در کنار رود راین برگزار شود.

در میان معترضان، یاکوب ۲۳ ساله از منطقه پورز شهر کلن نیز حضور داشت. او در گفت‌وگو با روزنامه junge Welt توضیح داد:

«پیامدهای نظامی‌گری و کاهش هم‌زمان خدمات و هزینه‌های اجتماعی، دلایلی بودند که مرا به خیابان کشاندند.»

حزب چپ کلن (Die Linke) در بیانیه‌ای از عملکرد پلیس انتقاد کرد و گفت پلیس از همان ابتدا به تشدید تنش‌ها دامن زده است.

لئا رایسنر، نماینده این حزب در پارلمان فدرال آلمان، اظهار داشت:

«وقتی ابتدا مانع تظاهرات جوانان می‌شوند و سپس با خودروهای آب‌پاش به استقبال آن‌ها می‌روند، نباید از خشم آن‌ها تعجب کرد.»

در برلین، تا ۱۰ هزار نفر در نزدیکی دروازه براندنبورگ دست به تظاهرات زدند. ترکیب شرکت‌کنندگان در این تجمع شباهت زیادی به اعتصاب‌های دانش‌آموزی علیه خدمت سربازی اجباری داشت.

از جمله سخنرانان این تجمع، فعالان دانش‌آموزی و پزشکان در حال گذراندن دوره‌های آموزشی بودند.

در دومین تظاهرات که عصر همان روز توسط پلیس منحل شد، ابتدا حدود ۷۰۰ نفر و سپس نزدیک به ۳ هزار نفر شرکت داشتند. به گفته پلیس، در جریان این تجمع ۵۶ نفر به‌طور موقت بازداشت شدند.

آندریاس روسکوپف از اتحادیه پلیس آلمان، در گفت‌وگو با روزنامه Rheinische Post اذعان کرد که اعتراضات جنبش «Gen Z regelt» در عمل «بسیار مسالمت‌آمیز از آب درآمده‌اند».

[02/11/2026 16:06]محسن: او خشونت‌های پس از تظاهرات را به «افراد خودمختار (Autonome)و تا حدی افرادی که چهره‌های خود را پوشانده بودند» نسبت داد.

با این وجود، الکساندر دوبریندت، وزیر کشور فدرال آلمان از حزب سوسیال مسیحی(CSU) ، در گفت‌وگو با روزنامه بیلد همچنان با لحنی قاطع از «گروه‌های چپ‌گرای آماده خشونت و آشوبگران برخاسته از محیط مهاجران» سخن گفت؛ گروه‌هایی که به ادعای او، تظاهرات بعدازظهر را «به تصرف خود درآورده بودند.«

او در ادامه مدعی شد که به لطف «نیروهای پلیس بسیار متعهد»، از وقوع «خشونت‌های گسترده‌ای مشابه آنچه در پاریس رخ داد» جلوگیری شده است.

ترجمه چن جی پی تی

یادداشت مترجم: در ترجمه، شعارهای عامیانه و تند متن تا حد امکان با حفظ لحن اعتراضی و انتقادی اصل آلمانی منتقل شده‌اند. همچنین اصطلاح «Autonome» در ادبیات سیاسی آلمان به گروه‌های چپ رادیکال و خودمختار اشاره دارد.

شعار های عمومی که توسط جمعیت شرکت کننده تکرار می شد،

شعار „Siamo tutti antifascisti!“

«ما همه ضد فاشیست هستیم!»

و... مرگ بر فاشیسم

زنده باد انترناسیونالیسم

اقلیتی از autonome در درگیری های کوچک تکرار میکرد،

«کلن از پلیس متنفر است.»

عده ای از مردم و جوانان شرکت کننده شعار ها و پیام هایشان را روی پلاکاردها حمل میکردند!

حامد

***سومین روز اعتراضات کارگران پوشاک بنگلادش؛ با مسدود کردن جاده‌ها،تعطیلی صدها کارخانه ویورش پلیس به معترضان با پرتاب گاز اشک‌آور و نارنجک‌های صوتی وبازداشت دستکم 82 نفر**

روز دوشنبه 2 نوامبر برای سومین روز متوالی اعتراضات گسترده کارگران صنایع پوشاک بنگلادش ادامه یافت. کارگران در مناطق صنعتی داکا، ساوار، آشولیا، غازی‌پور و نارایان‌گنج با برگزاری تجمع و مسدود کردن جاده‌ها، خواستار افزایش حداقل دستمزد ماهانه به 30 هزار تاکا، توقف اخراج‌ها و پایان دادن به قرار دادن نام کارگران معترض در لیست سیاه شدند.



در جریان این اعتراضات کارگران در چندین نقطه،پلیس برای متفرق کردن معترضان از گاز اشک‌آور و نارنجک‌های صوتی استفاده کرد.در غازی‌پور و ساوار چند خودرو، از جمله یک خودروی پلیس، به آتش کشیده شد.



بر اساس گزارش رسانه‌های بنگلادش، روز دوشنبه دست‌کم 690 کارخانه پوشاک به دلیل ادامه اعتراضات و نگرانی از گسترش درگیری‌ها تولید را متوقف کردند. این وضعیت بیش از یک میلیون و 700هزار کارگر را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین دست‌کم نفر82 در مناطق غازی‌پور و میرپور بازداشت شدند.

اعتراضات در حالی ادامه دارد که حداقل دستمزد کنونی کارگران پوشاک ماهانه 12500 تاکاست؛ رقمی که کارگران آن را در برابر افزایش هزینه‌های زندگی و تورم ناکافی می‌دانند. دولت روز یکشنبه کمیته شش‌نفره تعیین دستمزد را تشکیل داد، اما کارگران همچنان بر افزایش دستمزد به 30هزار تاکا تأکید دارند.

صنایع پوشاک بنگلادش حدود چهار میلیون کارگر را در استخدام دارد و بیش از 80 درصد درآمد صادراتی کشور به این صنعت وابسته است.

***گسترش اعتصاب‌های هشداردهنده کارگران صنایع فلزی و خودروسازی آلمان**

روز دوشنبه 2 نوامبر،موج اعتصاب‌های هشداردهنده اتحادیه IG Metall در صنایع فلزی و مهندسی برق آلمان گسترش یافت. در این روز بیش از 200 اقدام اعتصابی در سراسر کشور برگزار شد و کارگران کارخانه‌های آئودی در اینگولشتات، مرسدس‌بنز در برلین، تاتا استیل در گلزن‌کیرشن، زیمنس و شماری دیگر از واحدهای صنعتی دست از کار کشیدند.



این اعتصاب‌ها در چارچوب مذاکرات مزدی مربوط به حدود 3/7 میلیون کارگر این صنایع صورت می‌گیرد. اتحادیه IG Metall خواهان افزایش 5 درصدی دستمزدها برای یک دوره 12ماهه، تضمین امنیت شغلی و حفظ مراکز تولیدی است. همچنین خواهان مشارکت کارگران در سود شرکت‌هایی است که عملکرد اقتصادی مطلوبی دارند.

کارفرمایان در پیشنهاد خود افزایش 1/3 درصدی دستمزدها را از ژوئیه 2028 و پرداخت مبلغی یک‌باره در سال 2027 مطرح کرده‌اند؛ پیشنهادی که اتحادیه آن را به دلیل تأخیر طولانی و پایین‌تر بودن از نرخ تورم رد کرده است.

اتحادیه اعلام کرده است که اعتصاب‌های هشداردهنده در طول هفته ادامه خواهد یافت و قرار است در مجموع در بیش از 2 هزار واحد صنعتی اقدام اعتصابی برگزار شود. دور سوم مذاکرات نیز قرار است همین هفته آغاز شود.

***آغاز اعتصاب نامحدود وتجمعات کارکنان برنامه‌های حمایتی وزارت آموزش قبرس در اعتراض به اجرا نشدن قانون استخدام و پنج ماه محرومیت از دستمزد**

روز دوشنبه 2 نوامبر،کارکنان برنامه‌های حمایتی وزارت آموزش قبرس در اعتراض به اجرا نشدن قانون استخدامی مصوب پارلمان و محرومیت از دستمزد، اعتصاب نامحدود خود را آغاز کردند.



این اعتصاب با فراخوان دو اتحادیه کارگری PASEY-PEO و OEKDY-SEK برگزار شده است. به گفته اتحادیه‌ها، صدها کارگر از ماه مه تاکنون بدون دریافت دستمزد مانده‌اند و به دلیل وضعیت استخدامی خود، امکان دریافت مقرری بیکاری را نیز ندارند. شماری دیگر از کارگران باسابقه نیز از ادامه اشتغال محروم شده‌اند.

اعتراض کارگران به عدم اجرای قانونی است که دولت خود پیشنهاد کرده و پارلمان در 21 آوریل 2026 تصویب کرده بود. این قانون شیوه استخدام نیروی کار در برنامه‌های حمایتی وزارت آموزش را مشخص می‌کند، اما به گفته اتحادیه‌ها، وزارتخانه آن را در همه برنامه‌ها اجرا نکرده و برخی مشاغل را به کارکنان منصوب‌شده‌ای سپرده است که با اضافه‌کاری فعالیت می‌کنند.

کارگران خواهان اجرای کامل قانون، تأمین درآمد برای کارکنانی هستند که در تعطیلات تابستانی بدون دستمزد می‌مانند و بازگشت فوری همکاران باسابقه‌ای که از کار محروم شده‌اند.

در نخستین روز اعتصاب، تجمع‌های اعتراضی هم‌زمان در پنج شهر و منطقه استروولوس، لیماسول، پافوس، لارناکا و پارالیمنی برگزار شد. اتحادیه‌ها همچنین اعلام کرده‌اند روز پنجشنبه 5نوامبر، تجمع بزرگی مقابل وزارت دارایی برگزار خواهند کرد و سپس در راهپیمایی به سوی کاخ ریاست‌جمهوری، خواستار اجرای تعهدات دولت و تأمین حقوق و درآمد کارگران خواهند شد.

اتحادیه‌ها تأکید کرده‌اند اعتصاب تا دستیابی به راه‌حل‌های عملی ادامه خواهد یافت.

***اعتصاب کارکنان بخش عمومی پرتغال با مشارکت 80 درصدی در بهداشت و 60 درصدی در آموزش**

روز دوشنبه 2 نوامبر،کارکنان بخش عمومی پرتغال در اعتصابی 24 ساعته که از سوی سندیکای ملی کارگران خدمات و نهادهای دارای اهداف عمومی (STTS) فراخوانده شده بود، در بخش‌های مختلف اداره مرکزی، منطقه‌ای و محلی دست از کار کشیدند.



بر اساس آماری که نمایندگان سندیکا به خبرگزاری لوسا اعلام کردند، میزان مشارکت در اعتصاب تا ساعت 16 در بخش بهداشت به 80 درصد و در بخش آموزش به 60 درصد رسید. اعتصاب موجب تعطیلی شماری از مدارس و مراکز بهداشتی، لغو یا به تعویق افتادن نوبت‌های درمانی و اختلال در جراحی‌های برنامه‌ریزی‌شده، درمانگاه‌های سرپایی و آزمایشگاه‌ها شد. خدمات درمانی ضروری، از جمله شیمی‌درمانی و دیالیز، طبق مقررات خدمات حداقلی ادامه یافت .

کارگران اعتصاب‌کننده خواهان افزایش نیروی انسانی، بازنگری نظام ارزیابی عملکرد کارکنان دولت به‌منظور حفظ امتیازهای کسب‌شده در قراردادهای موقت و هنگام تغییر رده شغلی، پرداخت فوق‌العاده خطر به تکنسین‌های کمک‌درمان و ایجاد کارت غذا با اعتبار روزانه 10/20 یورو و معاف از مالیات هستند.

***از فجایعی که در مراکز نگهداری اتفاق میوفته گر بمیرم، رواست!**

بهروز مروتی

مرد میانسالی که فقط معلولیت جسمی و حرکتی داشت و اتفاقاً سرحال و سرپا بود، تحویل یه مرکز می‌دن و فقط ۴، ۵ روز بعد، جنازه‌ش رو تحویل می‌گیرن! پزشکی قانونی علت مرگ رو سکته قلبی ناشی از وجود متادون تشخیص می‌ده! مرحوم حتی استامینوفن هم مصرف نمی‌کرده! خانواده شکایت می‌کنن، اما صاحب مرکز برادر نماینده مجلسه، گردن‌کلفته و تا الان نتونستن به جایی برسن!

خانم ۴۵ ساله‌ای که همسر و فرزند و زندگی داره به خاطر کمی افسردگی موقتاً به یه مرکز می‌سپارن. پنج روز بعد، طی تماس تلفنی به خواهرش می‌گه: «دارن منو می‌کشن، نجاتم بدید!» خواهرش می‌ره و می‌بینه تمام دست‌وپاهای خواهرش از شدت کتک‌خوردن کبود شده! بیمار از توهین‌ها و رفتارهایی روایت می‌کنه که از نوشتنشون معذورم! دادستانی دستور تحویل فیلم‌های دوربین مداربسته رو صادر می‌کنه، اما مرکز از تحویلشون امتناع می‌کنه!

دختری توی یه مرکز، از شدت گرسنگی و با ولع خوردن املت و نون بربری دچار خفگی می‌شه و جونش رو از دست می‌ده. چون خدمه و مراقب کافی وجود نداشتن، کسی نبوده که به دادش برسه! خواهرش هم تو همین مرکز به دلایل نامعلومی فوت شده. آمار فوتی‌های سال اول فعالیت همین مرکز تازه‌تأسیس به پنج نفر می‌رسه، اما هیچ‌کس نمی‌پرسه چرا؟!

پسر ۱۶ ساله‌ای مورد تجاوز قرار می‌گیره. فرد متجاوز که از خدمه مرکز بوده، شناسایی و معرفی می‌شه. پزشکی قانونی هم تجاوز رو تأیید می‌کنه، اما قاضی به بهانه نبود فیلم و شاهد، متجاوز رو تبرئه می‌کنه! بعد همین متجاوز، با حمایت مرکز، از مادر این طفل معصوم شکایت می‌کنه و...

این‌ها فقط چند نمونه از صدها موردیه که هر روز اتفاق می‌افته و هیچ‌کس ازشون باخبر نمی‌شه!

حتی خانواده‌ها هم متوجه نمی‌شن، چون مراکز با بهانه‌های مختلف مانع ملاقاتشون با عزیزانشون می‌شن. خانواده‌هایی هم که از ماجرا باخبر می‌شن، تهدید و تحت فشار قرار می‌گیرن تا سکوت کنن؛ وگرنه یا ازشون شکایت می‌شه یا عزیزشون رو از مرکز بیرون می‌کنن!

دوربین‌های مداربسته یا خرابن، یا درست همون لحظه خاموش بودن، یا فیلم جنایت پاک شده، یا اصلاً توی محل وقوع جنایت دوربینی وجود نداشته! البته همه این اتفاقات کاملاً تصادفیه؛ مگه نه؟!

بازرسی‌های بهزیستی با اطلاع قبلی انجام می‌شه! برخورد با تخلفات هم هیچ تناسبی با حجم و شدت تخلفات نداره. نهایت برخورد، لغو مجوز و واگذاری مرکز به یه نفر دیگه‌ست! صاحب مرکز متخلف نه تحت پیگرد قضایی قرار می‌گیره و نه به سزای اعمال غیرانسانی و جنایاتش می‌رسه.

بهزیستی به‌جای حمایت از خانواده‌ها، مدافع مراکز متخلفه! به‌جای اینکه وکلای ماهر و متخصص در اختیار خانواده‌ها قرار بده، اون‌ها رو با درد و رنج و زخم‌هایی که این اتفاقات به جسم و روانشون وارد کرده، به حال خودشون رها می‌کنه!

بهزیستی سالانه ده‌ها هزار میلیارد تومن یارانه به این مراکز پرداخت می‌کنه! بله، درست خوندید؛ ده‌ها هزار میلیارد تومن! مراکز چند برابر این مبلغ رو هم از خیرین، به‌صورت نقدی و غیرنقدی، دریافت می‌کنن.

با این حال، بعضی مراکز حتی اجناس اهدایی مثل پوشک رو هم می‌فروشن و پولش رو می‌بلعن! بعد به‌جای پوشک، مشمبا و کهنه تن بچه‌ها می‌کنن!

غذای نامناسب و ناکافی، سوءتغذیه، خوراندن و تزریق داروهای خواب‌آور، آزار و اذیت، شکنجه، بستن دست و پا با زنجیر و طناب و دریافت شهریه‌های نامتعارف، در بعضی از مراکز به‌شدت رایجه... قطعاً همه مراکز این‌طوری نیستن و خیلی‌هاشون هم درست و انسانی کار می‌کنن. این انتقادات هم متوجه اون‌ها نیست.

مشکل اصلی، ساختار معیوب سیستم بازرسی و نظارتی و برخورد نامتناسب با متخلفینه!

به‌جای انکار و توجیه، فقط کافیه یه مجوز بازرسی به کمپین بدید تا ببینید چه فجایع و جنایاتی توی این مراکز اتفاق می‌افته! البته می‌دونیم؛ هزار سال سیاه همچین کاری نمی‌کنید!

تنها راهکار:

نظارت بر مراکز نگهداری معلولان باید از بهزیستی گرفته بشه و به سازمان بازرسی کل کشور و وزارت بهداشت واگذار بشه!

سالها راهکارهایی با محوریت و متولی‌گری بهزیستی ارائه کردیم اما وقتی ناظر خودش بخشی از ماجراست، چطور می‌شه انتظار داشت حقیقت رو کشف کنه و با متخلف جوری برخورد بشه که دیگه شاهد این اتفاقات نباشیم؟!

امیدوارم همگی به روزهای روشنی برسید؛ اون روز حق کمپین رو ادا کنید و رسیدگی به امور مراکز اولویت اول‌تون باشه حتی قبل از حق خودتون. بچه‌های مراکز رو فراموش نکنید. چون کسی رو این بیرون ندارند تا ظلمی که در حقشون می‌شه رو به گوش جامعه برسونه.

غریب‌ترین، بی‌کس‌ترین، مظلوم‌ترین و معصوم‌ترین و محروم‌ترین قشر جامعه همین بچه‌هایی هستن که مجبورند در مراکز زندگی کنند. فراموششون نکنید.

***بیمارستان دولتی جنازه کارگر را برای پرداخت صورتحساب گروگان گرفت**

زمانی که پیک موتوری زحمتکش به خاطر فشار سنگین زندگی سکته می‌کند و بعد از چند هفته می‌میرد، پایان تلخ تازه آغاز می‌شود: «ببخشید بیمارستان دولتی‌ست اما داروخانه خصوصی‌ست! ببخشید اول صورتحساب را پرداخت کنید بعد برای ترخیص جنازه بیایید...».

ماجرا از مرگ یک پیک‌موتوری در بعدازظهرِ داغ بازار تهران آغاز شد. دردسری که عاقبت با فروش سرمایه‌های ناچیز بستگان و درخواست‌های مکرر از مددکاری یک بیمارستان دولتی، با آه و افسوس و حسرت خاتمه یافت. ماجرایی که نشان می‌دهد درمان در این کشور آن‌چنان کالایی شده که خانواده یک کارگر غیررسمی برای ترخیص جنازه‌اش باید بیش از 150 میلیون تومان به حسابداری بیمارستان دولتی بپردازد و اگر این پول جور نشود، خبری از تحویل جنازه نیست.

ماجرای تلخ «علیرضا»

یک ظهر گرم اواخر تابستان است. «علیرضا» پیک موتوری 50 ساله در دالان‌های بازار تهران، در حال بلند کردن یک بار سنگین است که ناگهان سکته می‌کند. مردم او را به یک بیمارستان دولتی می‌برند اما این کارگر غیررسمی به کُما می‌رود؛ بیش از یک ماه در اغماست و بعد بیمارستان به بستگان این کارگر که همگی مزدبگیر و مستاجر هستند، اعلام می‌کند بیمار فوت شده.

بدبختی از لحظه‌ی مراجعه برای تحویل گرفتن جسد بیجان کارگرشروع می‌شود. 130میلیون هزینه‌ی داروهای متوفی‌ست و بیمارستان هم حدود 60 میلیون پول می‌خواهد! چیزی نزدیک به 200 میلیون تومان.

خانواده‌ی پیک موتوریِ فوت شده، باید 200میلیون به حسابداری بیمارستان بپردازند تا بتوانند پیکر بیجان را تحویل بگیرند و تشییع کنند.

«علیرضا» که تا سن 50 سالگی پیک موتوری بوده، هیچ زمان بیمه تامین اجتماعی نداشته؛ بیمه او، بیمه سلامت است. هرچند حتی اگر بیمه تامین اجتماعی هم می‌داشت، فرق چندانی نمی‌کرد. درمان کاملاً پولی و کالایی‌ست حتی در بیمارستان‌های دولتی و حتی با وجود داشتن بیمه.

خانواده علیرضا بارها به مددکاری بیمارستان مراجعه می‌کنند؛ بارها درخواست می‌کنند صورت‌حساب را کاهش دهند یا ببخشند اما فایده چندانی ندارد؛ در نهایت، بیمارستان چیزی حدود 30 میلیون تومان از هزینه‌های بستری را کسر می‌کند اما پول داروها و حدود 30 میلیون دیگر باید پرداخت شود؛ قبل از هر کار دیگری، این مبلغ بایستی به حساب بیمارستان واریز شود وگرنه از ترخیص جنازه خبری نیست!

یکی از بستگان کارگر متوفی به خبرنگار رسانه ای گفت: مددکاری گفت تا صبح هم دم در بایستید فایده ندارد؛ داروخانه خصوصی‌ست باید پول داروها را کامل بدهید. در هزینه بیمارستان هم تا جایی که ممکن بوده تخفیف دادیم؛ بیشتر از این نمی‌شود. البته می‌توانید چک و ضامن بیاورید، هزینه را قسطی کنید.

گفتند قانون است دیگر، گرچه بیمارستان دولتی‌ست اما داروخانه خصوصی‌ست. پول داروها حدود 230 میلیون می‌شد اما فقط 100 میلیون آن را بیمه سلامت گردن می‌گیرد. باقی برعهده خود بیمار است.

او ادمه داد: گویا در یک بیمارستان دولتی، پول است که حرف اول و آخر را می‌زند. راستش دیدیم به هیچ صراطی مستقیم نیستند؛ دیدیم اسم این را که از جنازه یک کارگر پیک موتوری 160 میلیون پول می‌خواهند، «قانون» گذاشته‌اند. ترسیدیم جنازه پیش‌شان بماند و چند روز بعد شهرداری ببرد به عنوان بی‌هویت خاک کند. خواهر متوفی یکی دو قلم طلا داشت فروخت، بقیه را قرض کردیم و جنازه را تحویل گرفتیم. چاره‌ی دیگری نداشتیم.

این خانواده به هر دری که فکرش را بکنید می‌زنند اما متاسفانه تمام درها به روی یک خانواده‌ی کارگری و فرودست بسته است. در یک بیمارستان دولتی و تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی، باید چند ده میلیون تومان بپردازی تا جنازه کارگری را تحویل بگیری که حین کار سکته کرده؛ کارگر غیررسمی‌ای که حاصل یک عمر کار و تلاشش، فقط یک موتور سیکلت قسطی‌ست.

درخواست پول سنگین از خانواده‌های فرودست آنهم نه در بخش خصوصی بلکه در بیمارستان‌های دولتی پایتخت، نشانه‌ی اوج پولی‌سازی درمان است. در نظام طبقاتی سلامت، خبری از درمان رایگان نیست. «سهم درمان» مردم به یغما رفته و فاصله واقعیت‌های تلخی که مردم تجربه می‌کنند تا بایدهای قانون اساسی (به طور مشخص اصل 29 این سند قانونی) فاصله‌ی زمین تا ثریاست. در سال‌های اخیر، خشن‌ترین نسخه‌های سرمایه‌داری در نظام سلامت کشور به اجرا درآمده است؛ جایی که وقتی می‌گویی پولی برای پرداخت ندارم، فقط سر تکان می‌دهند و بی‌تفاوت عبور می‌کنند.

پایان تلخ علیرضا ثابت می‌کند که طبقه‌ی کارگر و فرودستان شهری و روستایی، سهمی از ثروت‌های ملی ندارند و حتی اگر در اثر فشار کار بمیرند، تا پول ندهند، جنازه‌شان ترخیص نمی‌شود.

اینجا باید پرسید چرا در یک بیمارستان دولتی، داروخانه به بخش خصوصی واگذار شده؟ چرا برخلاف قانون، داروهای تجویزی در بیمارستان دولتی رایگان نیست؟ این وسط، بیمه سلامت واقعاً چه نقشی دارد، چرا در بدترین روزهای زندگیِ یک بیمه شده، به دادش نمی‌رسد؟ وقتی بیمه در بیمارستان دولتی به درد نخورد، کجا به کار می‌آید؟

پایان علیرضا بسیار تلخ است، تلخ‌تر از زهر. کارگری یک عمر با شرافت کار می‌کند، بدون حمایت و بیمه تامین اجتماعی، با بار بردن با موتورسیکلت، کرایه خانه می‌دهد و فرزندش را به عرصه می‌رساند اما همیشه خدا جیبش خالی‌ست.

در حالی که رانت‌خوران و دلّالان اقتصاد کشور را قبضه کرده‌اند، تمام زندگی این کارگر زیر منگنه است؛ غم‌انگیز اینکه حتی «مرگ» هم پایان گرفتاری نیست. زمانی که پیک موتوری زحمتکش به خاطر فشار سنگین زندگی سکته می‌کند و بعد از چند هفته می‌میرد، پایان تلخ تازه آغاز می‌شود: «ببخشید بیمارستان دولتی‌ست اما داروخانه خصوصی‌ست! ببخشید اول صورتحساب را پرداخت کنید بعد برای ترخیص جنازه بیایید...».

***جان باختن یک کارگر مقنی در قروه براثر سقوط در چاه 100 متری**

یک کارگر مقنی که در حین کارحفر چاه در حوالی روستای سراب قحط واقع در دهستان پنجه علی شهرستان قروه،استان کردستان براثر سقوط در چاه 100 متری،در دم جان باخت.

***جان باختن یک کارگر حین کاردر سلیمانیه عراق بر اثر سقوط از ارتفاع**

طی روزهای گذشته، یک کارگر بنام پیمان حسینی اهل روستای بله بزان ازتوابع شهرستان پاوه حین کاردر سلیمانیه عراق بر اثر سقوط از اطبقه چهارم یک ساختمان جان خودرا ازدست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com